

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نویسنده سریال تلویزیونی «رؤیای نیمه‌شب»

روایت تازه از انتظار

مهدویت و انتظار و امید را صرفاً با یک سنجاق تاریخی ارائه کنیم. موضوعی که درباره‌اش حرف می‌زنیم، موضوع امروز ما است. تاریخ برای ما در این کار موزه نیست، بلکه آینه‌ای است که از آن می‌توانیم خودمان را واضح‌تر ببینیم. به این خاطر باید قصه، زبان و حتی ظاهر اثر طوری می‌بود که با مخاطب امروز ارتباط برقرار کند. من اصلاً کمال‌گرا هستم و با وجود اینکه شکر خدا غالب آثارم پربیننده و پرمخاطب بوده اما خیلی وقت‌ها از کارهایم راضی نیستم و لذت نمی‌برم، چون همیشه احساس می‌کنم می‌شود نسخه بهتری از آن را طراحی کرد و نوشت. درباره «روای نیمه‌شب» اما باید بگویم ما کار بسیار بسیار بزرگی کردیم و توانستیم برای نخستین بار مساله انتظار و حضرت حجت (عج) را وارد یک اثر نمایشی تاثیرگذار کنیم. از این جهت «روای نیمه‌شب» یک نقطه عطف در تاریخ آثار نمایشی تلویزیون بود.

■ به حساسیت‌های موضوع هم آگاه بودید؟

همه ما از حساسیت این موضوع آگاه بودیم و بسیار مراقب بودیم لطمه‌ای به کار نخورد، لیکن برای شخص من مهم بود که این تابو شکسته شود. ما یک‌سری معارف داریم که دور آنها هاله‌ای کشیده‌ایم و آنها را به عنوان خط قرمز تعریف کرده‌ایم و گوشه طاقچه قرار داده‌ایم، در حالی که می‌توان به جای خطوط قرمز، سراغ خطوط سبز رفت. موضوعاتی که تاکنون کمتر درباره‌شان حرف زده‌ایم. مساله مهدویت و انتظار از مهم‌ترین معارف شیعه است و در عین حال کمتر در آثار نمایشی به آن پرداخته شده است. موضوعات رجعت، جهان‌های موازی و بدن مثالی، همه معارفی است که می‌توانیم در مورد آنها قصه‌های جذاب و بکر به مخاطب ارائه دهیم به شرطی که اراده و جسارت آن را داشته باشیم. ساخت این کار جسارت زیادی می‌خواست؛ چه از سوی سازمان اوج و مدیران آن و چه از سوی مدیران سازمان صداوسیما. من از همه آنها تشکر می‌کنم که این اراده و جسارت را به خرج دادند و اجازه دادند سمت این موضوع برویم. هدف ما این بود که با یک قصه پرتعلیق و پرکشش و جذاب، در مورد موضوع مهدویت و انتظار صحبت کنیم. اصل این کار تلنگری به همه ما بود که از چه موضوع مهمی در رسانه و آثار نمایشی غافل هستیم. ما نیز به عنوان گروه تولید سریال این جسارت و چالش را برای خود ایجاد کردیم تا به موضوعی مانند مدعیان دروغین بپردازیم.

■ ظرفیت‌های داستانی معارف شیعه واقعاً بالاست یا چون خود ما به آنها علاقه داریم، این‌طور فکر می‌کنیم؟

مسائل زیادی داریم که می‌توانند دستمایه قصه‌های جذاب باشند؛ از رجعت گرفته تا جهان‌های موازی و مباحث مختلفی که در معارف شیعه وجود دارد. اینها موضوعات قصه‌پذیر و هیجان‌انگیزی هستند. چرا نباید سراغ آنها برویم و درباره‌شان قصه بسازیم؟ البته این یک مقدمه بسیار مهم می‌خواهد و آن طراحی قصه‌های جذاب و پرکشش برای آنهاست، چراکه موضوعات محتوایی و اعتقادی زمینه آن را دارند که تبدیل به اثری شعاری شوند. پس برای مسائل اینچنین، در کنار جسارت برای نگارش و تولید، اشراف بر این مباحث، پژوهش کافی و ذهن خلاق و هنرمند و البته متعهد نیز احتیاج داریم.

وقتی «روای نیمه‌شب» را می‌نوشتیم، می‌دانستم کار بزرگی انجام می‌دهیم اما حالا که سریال پخش می‌شود، بیشتر متوجه اهمیت آن می‌شوم که گروه درجه یک ما چه کار مهم و بالارزشی انجام داده است. امیدوارم مسیری که برای ساخت آثار نمایشی با موضوعات مهدوی و انتظار باز شده، بسته نشود. از آقای آخوندپور، کارگردان سریال، همه عوامل اعم از بازیگران و بچه‌های پشت صحنه تشکر می‌کنم و امیدوارم این مسیر ادامه یابد. روای نیمه‌شب برای همه عوامل آن یک هویت مهم ایجاد می‌کند. آقای آخوندپور به عنوان کارگردان نسبت به کار قبلی‌اش قطعاً خودش را چند پله بالاتر نشان داده و جسورانه کارگردانی کرده است.



■ خیلی اوقات، مخاطبان رمان هم با اثر اقتباس شده از آن کاملاً کنار نمی‌آیند...

هر مخاطبی وقتی رمان و قصه‌ای را می‌خواند، آن را در ذهن‌اش با ذهنیت خودش بازسازی می‌کند. هر کدام از ما درباره عشق، ایمان و نفرت تعریف متفاوتی داریم و بر اساس زیست خودمان شخصیت‌های کتاب‌ها را می‌سازیم. عشقش را طوری تصویرسازی می‌کنیم که خودمان عاشق شده‌ایم. بنابراین طبیعی است که تکنیک مخاطبان یک رمان، تصویر منحصر به فرد خودشان را از یک رمان بسازند. من فیلمنامه‌نویس اما باید کنار آن، جهان داستانی خودم را خلق کنم که ممکن است تصویری متفاوت از شخصیت‌های ذهنی دیگران داشته باشد. با این حال تا اینجای اثر با وجود تفاوت‌های متعدد، غالب مخاطبان از این سریال رضایت دارند، حتی کسانی که پیش از این رمان را خوانده بودند.

■ برای گفت‌وگو نویسی در یک اثر تاریخی که مربوط به دوره تاریخی خاصی است و کمتر در آن حوزه فیلم و سریال ساخته شده، مشکلی نداشتید؟

وقتی به قرن هشتم هجری قمری و دوران سلطنت محمد خدابنده برمی‌گردیم، طبیعی است که مردم آن دوره مثل امروز صحبت نمی‌کردند. از طرفی اگر زبان کاملاً کتابی و معیار شود، مخاطب امروز با اثر فاصله می‌گیرد. از طرفی زبان محاوره‌ای هم کار تاریخی را از حلاوت می‌اندازد. ما تلاش کردیم به یک زبان و لحن میانه برسیم؛ زبانی که فاخر بودن خودش را حفظ کند اما به زبان مردم هم نزدیک باشد تا مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند. همین رویکرد را در کارگردانی و اجرای کار، طراحی لباس، گریم و طراحی صحنه هم داشتیم. ما درباره تاریخ صحبت می‌کنیم اما قرار نیست همه چیز «کهنه» به نظر برسد. تأکید ما این بود که لباس‌ها جذاب باشند و طراحی صحنه و گریم رنگ و لعاب مناسبی داشته باشد. بخصوص با توجه به موضوع مهدویت و انتظار که یک موضوع روزآمد برای ما است، باید جاذبه‌های بصری کار بیشتر لحاظ می‌شد که خدا را شکر این اتفاق افتاد و مورد توجه مخاطبان نیز قرار گرفته است.

■ برگردیم به مساله مهدویت که اکنون معنایی اثر شما را شکل می‌داد. این به نظر موضوعی بود که باعث پیوند خوردن داستان تاریخی شما با زیست امروز ما می‌شود...

حقیقت این است که نمی‌خواستیم مفاهیمی مهمی مثل

دارد. برای خود من هم شخصیت‌های زن همیشه مهم بوده‌اند و در اکثر آثارم مثل «تجلا»، «طوبی» و «پدر»، زن شخصیت محوری و تاثیرگذار و پیش‌برنده قصه بوده است. در «روای نیمه‌شب» هم شخصیت‌های تلم، هیام، عطیه، سسوفای و دیگر شخصیت‌های زن داستان، فعال و کنش‌گرا و کاراکترهای قوی هستند.

■ به نظر شما مناسب‌تر این است که نویسنده رمان و کسی که از آن اقتباس می‌کند یک نفر باشند یا بهتر است افراد متفاوتی این کار را انجام دهند؟

خود من یک رمان نوشته‌ام که پس از چاپ در ایران در بیروت نیز به زبان عربی منتشر شده و شنیده‌ام به‌زودی ترجمه انگلیسی آن هم روانه بازار خواهد شد. دوستان چند بار پیشنهاد کردند خودم آن را اقتباس کنم اما نپذیرفتم و پیشنهاد دادم با فیلمنامه‌نویس دیگری اقتباس آن انجام شود؛ چون به عنوان خالق اثر نسبت به داستان وابستگی دارم و وقتی بخواهم آن را برای اقتباس هرس کنم، نمی‌توانم با آن بی‌رحمانه برخورد کنم. اصلاً نویسنده نسبت به اثر خودش علقه دارد و ممکن است همین موضوع، اقتباس را برای خود نویسنده رمان سخت کند. از این جهت غالب نویسندگان رمان‌ها نسبت به خروجی اقتباس آثارشان دچار شک و تردید و نگران می‌شوند.



داستانی رمان است و ۷۰ درصد دیگر آن جهان داستانی فیلمنامه‌نویس و تیم تولید سریال.

■ اشاره به موضوع مهدویت و انتظار را می‌توان به عنوان یکی از محورهای اصلی سریال دید؛ این ایده صرفاً از کتاب به فیلمنامه ورود کرده یا مد نظر خود شما هم بود؟

موضوع مهدویت و مساله انتظار برای دوستانی که در سازمان هنری- رسانه‌ای اوج سفارش این کار را دادند بسیار جدی بود. واقعیت این است که ما تا به حال در این زمینه کم‌کاری کرده‌ایم. در حوزه رمان کتاب‌های خوبی داریم اما در رسانه، بویژه در آثار نمایشی، تاکنون سراغ این موضوع نرفته‌ایم. وقتی قرار است بخشی از باورهای دینی را به اثر نمایشی تبدیل کنیم، کار بسیار سخت و حساسی است. من همیشه در وهله اول همه این مسائل را کنار می‌گذارم و می‌گویم اول باید قصه بگویم، دوم قصه و سوم هم قصه. اگر قصه خوبی نداشته باشم، حرف‌های جدی و مهم من هم منتقل نخواهد شد. بنابراین روی درام و طراحی داستان بسیار کار کردیم و همین موضوع باعث شد در بخش‌هایی زیادی از کتاب فاصله بگیریم. به همین خاطر سرانجام کار و پایان‌بندی شخصیت‌ها نیز دستخوش تغییر شده و مخاطبان را غافلگیر خواهد کرد. حتی کسانی که رمان را نیز خوانده‌اند، نمی‌توانند سرانجام شخصیت‌ها را پیش‌بینی کنند.

■ ظاهراً نام و ویژگی برخی شخصیت‌ها کاملاً تغییر کرده است...

وقتی شخصیت‌پردازی یک کاراکتر تغییر می‌کند، ناخواسته کنش‌ها و داستان او هم تغییر می‌کند. یک شخصیت آرام و محبوب که سکوت می‌کند، یک داستان به شما می‌دهد و همان شخصیت اگر برون‌گرا باشد، قصه دیگری شکل می‌گیرد. در روند نگارش، بعضی شخصیت‌ها خودشان را به ما تحمیل کردند و تغییراتی در نام، ویژگی یا حتی ترکیب شخصیت‌ها اتفاق افتاد. شخصیت دختر در کتاب بسیار کم‌رنگ بود. ما عشق اولیه را داشتیم و بیشتر با پسر همراه می‌شدیم و کمتر وارد خلوت شخصیت دختر می‌شدیم، در حالی که در ساختار آثار نمایشی، علی‌الخصوص در مدیوم تلویزیون، شخصیت زن اهمیت بسیار زیادی

سریال «روای نیمه‌شب» به کارگردانی حسن آخوندپور و تهیه‌کنندگی سعید سعدی، اقتباسی آزاد از رمان پرفروش مظفر سالاری به همین نام است که داستان دلدادگی دو



جوان با باورهای مذهبی متفاوت را روایت می‌کند؛ داستانی که زمان روایی آن به صدها سال پیش برمی‌گردد و در درونمایه آن به موضوع مهدویت هم پرداخته شده است. این مجموعه که هر شب از شبکه سه سیما روی آنتن می‌رود به قسمت‌های پایانی خود نزدیک می‌شود. با امیر جهانی که پیش از این نگارش مجموعه‌هایی چون «تجلا»، «طوبی»، «سرچوخه» و «پدر» را در کارنامه دارد، درباره روند اقتباس آزاد این مجموعه از رمان «روای نیمه‌شب»، تفاوت‌های نسخه تلویزیونی با کتاب، اهمیت پرداختن به موضوع مهدویت و تلاش برای نزدیک کردن زبان یک اثر تاریخی به مخاطب امروز گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

■ آقای جهانی! آیا شهرت کتاب روای نیمه‌شب را می‌توان انگیزه اصلی شما برای رفتن سراغ چنین سوزهای و تبدیل آن به فیلمنامه یک سریال تلویزیونی دانست؟

حقیقتش این است که وقتی کتاب برای اقتباس به من پیشنهاد شد، آن را نخوانده بودم اما بعد از مطالعه، خطوط جذابی در قصه، موقعیت‌های داستانی و محتوای آن دیدم که برای خود من هم جذاب بود. وقتی بیشتر تحقیق کردم، متوجه شدم کتاب از آثار بسیار شناخته‌شده و پرمخاطب است. حتی در مقطعی خودم اصرار داشتیم عنوان سریال تغییر کند اما وقتی دیدم کتاب میان مخاطبان شناخته شده است، تصمیم گرفتیم همین نام حفظ شود. به نظر من کتاب هم موضوع جذابی دارد و هم موقعیت داستانی مناسبی برای اقتباس.

■ با این اوصاف در مواجهه اول، مقهور نام پرآوازه سریال نبودید. موقع اقتباس چقدر به متن اصلی کتاب وفادار ماندید؟

در واقع میان ادبیات داستانی و ادبیات نمایشی تفاوتی جدی وجود دارد. رمان می‌تواند وارد ذهن شخصیت شود و در بسیاری از بخش‌ها توصیفی باشد اما در فیلمنامه باید این احساسات را عینی کرد و آنها را به کنش، نگاه، انتخاب، رابطه، پیامد و پیچ داستانی تبدیل کرد. از همین جا تفاوت‌ها آغاز می‌شود و اینجا هنر نویسنده اهمیت پیدا می‌کند. من وقتی کتاب را خواندم به دوستانم گفتم خطوط طلایی کتاب را حفظ می‌کنم اما در نهایت باید قصه خودم را تعریف کنم؛ باید احساس کنم این قصه، قصه من است و خودم در این جهان حضور دارم. آنچه از ابتدا به آن متعهد بودم حفظ روح کتاب بود. ما نمی‌خواستیم کتاب را تصویرسازی کنیم، می‌خواستیم روح آن را تبدیل به زبان و لحن سریال کنیم و این اتفاق افتاد.

■ تغییراتی که در داستان ایجاد کردید، عموماً چه چیزهایی بود؟

با حفظ رگه‌های طلایی کتاب، تغییرات زیادی در بخش‌های داستانی اتفاق افتاد. برای مثال شخصیت و قصه «صائمه»، داستان «دو برادر مغول»، تمام قصه «عطیه» و کشش بر سر فرزند آن و ماجراهای نمایشی بسیاری دیگر از تخیل فیلمنامه‌نویس سرچشمه گرفته و در کتاب نبوده است. با این حال درونمایه‌های اصلی سریال از جمله تردید، عشق، تعصبات مذهبی، شک، حقیقت‌جویی، مساله انتظار و مهدویت به عنوان روح کار، متأثر از رمان است. اگر بخواهیم کتاب و سریال را در یک خلاصه سه‌خطی بیان کنیم باید گفت با داستان جوان زرگری از اهل سنت مواجهیم که عاشق دختری می‌شود و برای رسیدن به عشقش، به ایمان و حقیقت می‌رسد و در نهایت باید میان آدم‌ها و باورهای مختلف انتخاب کند. این روح داستان در سریال حفظ شده است. ولیکن شاید حدود ۳۰ درصد از سریال موجود، موقعیت

021-92 00 00 00

www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا

رسپینا ارتباط اولی‌ها

آگهی دعوت شرکت نغمه امید سرود سهامی خاص

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت نغمه امید سرود سهامی خاص ثبت شده به شماره ۵۵۰۸۲۰ و شناسه ملی ۰۸۷۹۹۷۴۰ دعوت به عمل می‌آید تا در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۲ در محل مرکز اصلی شرکت تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- انحلال شرکت

۲- انتخاب مدیر تصفیه

هیئت مدیره

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱